



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۱/۲۶

لینا علم

## با قهرمان یا بدون قهرمان

روزی روزگاری مردم یک سرزمین فریب شیطان را خوردند، بر ضد قهرمان های خود ایستاده شده و یکه، یکه تمام قهرمان ها را به دست های خود زهر دادند و گشتند. بعد از کشتن قهرمان ها روز به روز مملکت طرف سیاهی و بدبختی رفت. شیطان کارش تمام شده بود. این مُلک را رها کرده و به کدام مُلک دیگر رفته بود. بعد از ترک شیطان، مردم دوباره به هوش آمدند و متوجه شدند که چگونه فریب خورده و چگونه در حق خود ستم کرده و خودشان را منفور خدا ساخته اند.

باید این گناه را جبران می کردند. دوباره شروع کردند به قهرمان سازی، اما این بار هر فردی که در جایگاه قهرمان انتخاب می شد تا اینکه قهرمان باشد، ضد قهرمان می گشت و کار های ضد قهرمانانه می کرد و روزگار سیاه مردم را سیاه تر می ساخت. زورگویی و غارت ضد قهرمان ها باعث می شد که روز به روز تعداد شان زیادتر شود، همگی شان چاق تر و گشنه تر و تشنه تر شوند. افرادی که واقع شایستگی پُر کردن این خلا را داشتند، فرصت نمی یافتند، هرچندی که گروه، گروه در هر جایی با ضد قهرمان ها در ستیز بودند اما شاید خدا نمی خواست که قهرمان ها پیروز شوند و مردم از دست ضد قهرمان ها آزاد شوند. ضد قهرمان ها، هم تعداد شان زیاد شده بود و هم ثروت شان و علیه همدیگر نمی جنگیدند، مملکت را بین خود تقسیم کرده و هر کس صاحب سهم خود بوده و کار خودش را می کرده است. حیات شان بستگی به ادامه دادن رسم قهرمان گشی داشت و همگی شان بگونه مشترک بخاطر حفظ و گسترش این رسم متحدانه کار می کردند. مردم مجبور شدند که یا طرف آسمان دیده و به خدا بنالند و یا سر در گریبان انداخته و ندامت بکشند، عیب های خود بدانند و بالاخره به این نتیجه برسند که در واقع نه "قهرمان" وجود دارد و نه "ضد قهرمان"، همه چیز بستگی به جایگاه دارد؛ جایگاه ایکه بخاطر مدیریت و پیشبرد امور مملکت نیاز به تعیین افراد در آن است.

از بین خود صادق ترین، شجاع ترین و داناترین مردمان را انتخاب کردند و پشت آنها ایستاده شده و از آنها حمایت کردند. نفرین شکسته شد، ضد قهرمان ها یا کشته شدند یا جامه بدل کردند و مخفی شدند. مردم اهمیت جایگاه را دانسته بودند، تفاوت میان انتخاب افراد فساد پیشه و افراد اهل قول و عمل را درین جایگاه دیده و تجربه کرده بودند.

کاری که امرالله صالح به عنوان یک فرد مهم حکومت انجام می دهد، نه لطف است و نه هم منت. امرالله صالح وظیفه خودش را انجام می دهد. از طرف دیگر مانند خیلی از سیاستمدار های دیگر می تواند فقط معاش بگیرد، چکر برود، تفریح بکند، از موقف خود استفاده کرده صاحب ثروت شود و بعد از خود قصر های به فرزند هایش بماند که تا زنده اند، بخورند و ثروت شان تمام نشود. ایشان همین دو انتخاب را دارند یا به خود کار کند یا به مردم. و او کار به مردم را انتخاب کرده است. مردم هم از دیر زمانی منتظر چنین مردی بودند که نسبت به کشور دلسوزی و جدیت داشته باشد، غیرت و جرئت گفتن حق و عمل نیک را داشته باشد. باید از او حمایت بکنیم نه به نیت "قهرمان" ساختن بلکه بخاطر نیست و نابود کردن "ضد قهرمان های جامعه".